

نشست ادبی «یحیای شهید» به مناسبت شهادت شهید یحیی سنوار، رهبر حماس به دست رژیم صهیونیستی توسط گروه بین المللی هندیран با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر حوزه ایران فرهنگی برگزار شد. در ابتدای این نشست سیدمسعود علوی تبار، شاعر و فعال فرهنگی گفت: شهادت مظلومانه و البته قهرمانانه مجاهد بزرگ اسلام شهید یحیی سنوار با لباس رزم و اسلحه در دست در نبردی تن به تن، چهره

نشست ادبی

«یحیای شهید»

برگزار شد

حقیقی و مقاوم یک مجاهد اسلام را برای جهانیان به بهترین شکل خود به نمایش گذاشت. تاریخ شکوهمند اسلام از این قسم دلآوری ها آکنده است. شجاعت و مقاومت یحیی سنوار به نوعی تداعی کننده شهادت حکیم بن جبلة عبدی از یاران امام علی (ع) بود که در «جنگ جمله اصغر»، هنگامی که پای او قطع می‌شود، پای قطع شده خود را به طرف قاتل خود پرتاب و او را به هلاکت می‌رساند و خود نیز شهید می‌شود؛ شهیدی که

ماتن به تن سنوار هستیم

تصویر مقتدرانه مجاهد قهرمان «یحیی سنوار»، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در آخرین لحظات حیاتش، موجی از حماسه و افتخار را در آثار هنرمندان عرصه مقاومت ایجاد کرد



فاطمه رستمی گروه فرهنگ و هنر

پس از تأیید خبر شهادت یحیی سنوار، فرمانده نستوه دفتر سیاسی حماس، صحنه‌هایی مربوط به آخرین لحظات عمر این مبارز سرسخت منتشر شد که بار دیگر جلوه‌ای بی‌بدیل از پایمردی رهبران محور مقاومت را در تاریخ ثبت کرد. شهید سنوار نمادی از فرماندهی مومن و هوشیار بود؛ این مجاهد که زاده سال‌ها اشغالگری صهیونیست‌ها بود، در تمام دوران اسارت در زندان‌های رژیم غاصب، به خودسازی پرداخت و همیشه در اندیشه تقویت محور مقاومت،

دانش افزایی فردی و اهل مطالعه بود. از این رو

خبر شهادت فرماندهی نظامی و مدیر،

واکنش‌های گسترده‌ای از سوی اهالی فرهنگ

و هنر را در پی داشت. در این گزارش تعدادی

از اشعار سروده شده در رابطه با شهادت

سنوار و بازتاب پیام‌های تسلیت چهره‌های فرهنگی

و هنری را مرور کردیم.

✎ از غرش مردانه‌ات باختر لرزید!

افشین علاء، شاعر سرشناس کشور در شعری با عنوان «شیر خونین‌یال» تصویری ستودنی از رهبر مقاومت حماس و توصیفی دقیق از جنایات رژیم غاصب ارائه داده است. در ادامه بخش‌هایی از این شعر را می‌خوانید:
شد فلک مهیوت شیر خفته و بر نعش او/ حال عالم را به هم زد روزی که کفتارها/ خود بی این بود عمری، چون که می‌دانست نیست/ جز شهادت، جامه‌ای زبینه‌ی سردارها/ قاتلان از کشته‌اش ترسان، ولی آسوده بود/ در دل ویرانه حتی چون سپه‌سالارها/ شیر خونین‌یال من! از غرش مردانه‌ات/ باختر لرزید با انبوه جنگ‌افزارها...

✎ تورا از روز مرگ شناختم

صابر امامی، استاد دانشگاه و شاعر کشورمان هم در رابطه با شهادت سنوار سروده‌ای در قالب شعر سپید ارائه کرده که در ادامه بخشی از آن را می‌خوانید.
آه سنوار / تو را از ندانن هایت شناختمد / تو را از کیودی‌های صورت/ تو را از جلیقه پر از نازنجکت / تو را از قد رشیدت شناختمد / ایستاده سرفراز و بلند / در میانه‌ی میدان / دستی به تفنگ / و دستی به نازنجک/ آه سنوار / تو را از روز مرگ شناختمد

✎ مردی از اردو طوفان

میلاد عرفانیپور نیز شعر خودش را به‌عنوان «یحیی» منتشر کرد:
شد داغی نو بر ما،
آور یحیی السنوار، یحیی السنوار/ مردی وصفش، طوفان، طوفان نامش گمنام،
کارش پیکار/ مردی چون رعد، حرفش کوتاه/ مردی، چون کوه، غمش بسیار/ مردی چونان؛ لشکر لشکر هم بی‌مانند،
هم بی‌تکرار/ از خشم او، از چشم او/ دست صهیون افتاد از کار/ در قربانگاه، چون اسماعیل خلوت کرده‌ست،
با یار انگار...

✎ خون یحیی غرق خواهد کرد اسرائیل را

در ادامه بخش‌هایی از شعر محمد مهدی عبداللهی

را می‌خوانیم که در رابطه با شهادت یحیی سنوار سروده شده است:
باز هم صدر خبرها شد غم سردارها/ تا حکایت می‌کند از میثم تمارها / با شهادت زنده‌تر از قبل جولان می‌دهیم / رقص در میدان! عجب شوری ست در پیکارها/ شیعه و سنی ندارد، آرمان ما یکی ست / ما بهریریم و ز نسل مالک و عمارها/ باز هم تکثیر خواهد شد در این مکتب هنوز / همچو اسماعیل و نصرا... تا سنوارها / خون یحیی غرق خواهد کرد اسرائیل را....

✎ خوشا چو میثم به دار بودن

محمدسجاد حیدری نیز جدیدترین شعرش را برای شهید سنوار به شرح سروده است:
خوشا چنان غره در میان کوبیرها،
لاله‌زار بودن/ خوشا در این دوره تبری دلکان با لباس قرمز! / شبیه سنوار غرق در خون تینبد و بی‌قرار بودن / رطب‌فروشی بس است ای دل، غزل فروشی بس است ای دل! / اگر که دم می‌زنی ز مولا، خوشا چو میثم به دار بودن

✎ تا محو اسرائیل پای کار هستیم

احمد رفیعی هم با انتشار سروده «ما همه سنواریم» به این اتفاق واکنش نشان داد:
ما دشمنان جان استکبار هستیم/ تا جان به‌تن داریم در پیکار هستیم/ زنده‌ست نصرا... یعنی قرص و محکم/ تا محو اسرائیل پای کار هستیم/ در هر نفس، از قبل محکم‌تر، به فکر/ نابودی محض سگان هار هستیم/ مشتاق آنچه مرده نصر الاحمیت/ منصورهای یک‌به‌یک بر دار هستیم/ از خون یحیی زنده گردد لشگری نو/ ما را بکش ما تن به تن سنوار هستیم

✎ در دفتر تاریخ پابنده‌ای یحیی

عارفه دهقانی نیز شعری برای شهید یحیی سنوار منتشر کرد:
ای پهلوان! ای مرد/ دریای داغ و درد/ تو از همه جز عشق/ دل کنده‌ای یحیی/ ای پای کار، ای کوه! تا پای جان، نستوه/ در دفتر تاریخ/ پابنده‌ای یحیی...

✎ باب عշشان شهید شد

در ادامه شعر مهدی جهاندار در وصف شهید یحیی سنوار تقدیم می‌شود:
با چغیه و جلیقه و قرآن شهید شد / یعنی که در میانه‌ی میدان شهید شد / بیچاره آن کسی که به پیمان وفا کرد/ خوشبخت آن‌که بر سر پیمان شهید شد / تسبیح و عطر، ققمه‌ی آب پس سروده است:
خوشا چنان غره در میان کوبیرها،
لاله‌زار بودن/ خوشا در این دوره تبری دلکان با لباس قرمز! / شبیه سنوار غرق در خون تینبد و بی‌قرار بودن / رطب‌فروشی بس است ای دل، غزل فروشی بس است ای دل! / اگر که دم می‌زنی ز مولا، خوشا چو میثم به دار بودن

✎ عیاست او ای یهودا

حسن صنوبری هم با اشاره به تصاویر لوازم شخصی شهید یحیی سنوار که صهیونیست‌ها منتشر کرده‌اند شعری سروده است:
باقی ست رهاش/ وقتی که باشد در آن صبح؛ آتشفشانی سلاحش / جمعیتی تکیه‌گاهش/ زیباست او، ای یهودا! / یحیاست او، ای یهودا! / تو کشتی‌اش در فلسطین/ عیاست او، ای یهودا!

✎ به آرزویت رسیدی؟ مبارک است!

فاطمه عارف‌نژاد، شاعر آیینی جوان که در یک سال گذشته بیش از ۶۰ شعر درباره مقاومت غره و لبنان در برابر رژیم صهیونیستی سروده، برای شهادت اسطوره‌وار رهبر حماس، شهید یحیی سنوار غزلی جدید سرود؛ بخشی از این غزل در ادامه آمده است:
یحیی چقدر صاعقه در چشم‌های توست! / طوفان

فقط چکیده‌ای از ماجرای توست / «بگذار کربلاشود» گفتی و گذشت / دنیا هنوز خیره به بغض صدای توست/ یحیی! به آرزویت رسیدی؟ مبارک است! / من مانده‌ام که عید شده با عزای توست...

✎ راه تو ادامه دار یحیی سنوار

علی حبیبی، شاعر آیینی و انقلابی کشورمان هم قطعه شهری در وصف شهید یحیی سنوار به شرحی که در ادامه می‌رود سروده است:
گمنام پر افتخار یحیی سنوار/ مظلوم بزرگوار یحیی سنوار / نام تو همیشگی، کلامت ماناست / راه تو ادامه‌دار یحیی سنوار/ گفتی که به سنگ هم شده می‌جنگیم/ ای غیرت آشکار یحیی سنوار / در غزه علم زمین نمی‌ماند/ ای راه تو ماندگار یحیی سنوار...

✎ شهادت به روایت تصویر

برخی از هنرمندان گرافیکست نیز با بازنشر محتوای مربوط به استقامت و شکوه شهادت فرمانده سنوار به این اتفاق واکنش نشان دادند.
محمدحسین نیرومند، سیدسیدمسعود شجاعی طباطبایی و صابر شیخ‌رضایی هنرمندان مطرح عرصه کاریکاتور در فضای مجازی خود ضمن انتشار تصاویر گرافیکی از شهید سنوار نسبت به این ضایعه واکنش نشان دادند.

✎ واکنش‌های جهانی به شکوه شهادت

شکوه و عظمت شهادت سنوار، رئیس دفتر سیاسی حماس به قدری تأثیرگذار بوده که برخی فعالان فضای مجازی در کشورهای خارجی هم در رابطه با شهادت شهید سنوار محتوایی تولید کردند. در ادامه به تعدادی از این واکنش‌ها بپردازیم.
اریک روسو، سازنده محتوای آمریکایی، در صفحه



امام علی (ع) در مدح او شعری گفتند. در این برنامه شاعران و هنرمندانی چون علیرضا قزوه، حسین اسرافیلی، کمیل کاشانی، رسول شریفی، شعبان کرمدخت، محمد مهدی عبداللهی، محمد علی یوسفی، احمد رفیعی وردنجانی، سید حکیم بینش، سیدمهدی بنی‌هاشمی، نغمه مستشار نظامی، فائزه زرافشان، فاطمه نانی‌زاد، عارفه دهقانی، سارا عبداللهی و... حضور داشتند.

برش

زایاتا و جوهیل و چه گوارا را فراموش کنید!



سیدمستغانی سندسماز کارشناس سینما

شاید اگر فیلمسازانی مثل الیا کازان، بوویدریگ، استیون سودربرگ و... این فیلم را زودتر می‌دیدند، سکانس پایانی فیلم‌های خود را به گونه‌ای دیگر تمام می‌کردند. در اینجا تنها از امیلیانو زاپاتا در فیلم «زنده‌باد زاپاتا» که ناجوانمردانه در میان خیل دشمنانش تنها گیر افتاد و به گلوله بسته شد، قهرمان ما به تنهایی با هرآنچه در اختیار داشت، در مقابل دشمن تا دندان مسلح و تانک‌های مرگبارش ایستاد. در اینجا شجاعت از جوهیل در فیلم «حماسه جوهیل» که در مقابل جوخه‌اعدام گفت چشمانم را نبندید، قهرمان ما چشم در چشم دشمنانش دوخت و گرچه دستش قطع و به سختی مجروح شده بود اما چنان در چشمان‌شان با خشم می‌نگریست که آنها حتی جرات نگاه کردن از دریچه دوربین از راه دورشان (احتمالاً سوار بر کواکوپتر) را نداشتند. در اینجا فراتر از ارستو چه‌گوارا در فیلمی به نام «چه» که در لحظات آخرانوان و مجروح روی تختی افتاده بود، اما قهرمان ما با همه صدمه‌ای که دید، با تنها وسیله‌ای که دم دستش داشت، یعنی یک چوب را به سمت همان نشانه دشمن یعنی دوربین کنترل از راه دور، پرتاب کرد. این فیلم که خیلی ناخودآگاه از آخرین لحظات یک قهرمان برداشته شده، شاید واقعی‌ترین و از طرف دیگر دراماتیک‌ترین اثر تاریخ سینما باشد که طی حدود ۴۵ ثانیه گویی به اندازه یک فیلم سینمایی کامل از مقاومت در برابر یک تاریخ اشغال و سالیان سال دفاع با جنگ و دندان از یک انقلاب و سرزمین مردم تحت شتمش و قهرمانان سنگ و مثال‌زدنی‌اش تصویر نمایش می‌دهد.

فیلمی کامل که دو شخصیت دارد؛ یکی قهرمان ما که زخمی و مجروح اما باصلابت و استوار باقی مانده، قهرمانی که خود به اندازه یک ملت و تاریخش وسیع و گسترده است، و دیگری موجوداتی لیلد تحت عنوان اشاگر و عاملان نسل‌کشی ۴۱ هزار تن و قاتلان ۱۱ هزار کودک و حامیان‌شان در دنیا که از دریچه آن دوربین به قهرمان می‌نگرند. فیلمی با تعلیقی تأثیرگذار، ریتم بیرونی، درونی مناسب و... که دوربین با سرعت و شتابان از پنجره ساختمانی مورد اصابت قرار گرفته، داخل شده و با همان سرعت از اتاق‌های مخروبه عبور کرده اما ناگهان در چند متری اتاق اصلی می‌ایستد. در مرکز تصویر از یک اتاق نشیمن درهم‌ریخته، مردی با صورت پوشیده نشسته که به دوربین خیره شده، او برائز برخورد گلوله‌های تانک به سختی مجروح و دست راستش قطع شده و گویی با سیمی بسته تا از خونریزی جلوگیری کند، اما راست قامت نشسته، خیلی فراتر از کاراکترهایی مانند «هملت» یا سروان میلر فیلم «نجات سرباز راین» در آخرین لحظات دوربین به آن

مرد نزدیک‌تر می‌شود. در دست چپ او که هنوز سالم است، چوبی بلند را رویت می‌کنیم که به آرامی بالا می‌آورد و پس از مدتی با تمام توان باقیمانده‌اش به سمت دوربین پرتاب می‌کند.... دوربین روی کواکوپتر برای فرار از برخورد چوب، ناگهان به سمت چپ می‌گردد، ولی برمی‌گردد و قهرمان مجروح را مشاهده می‌کنیم که همچنان استوار قامت نشسته، گویی می‌خواهد حتی در آخرین رمق‌هایش، در مقابل دوربین دشمن بر زمین نیفتد. کدام تصویر می‌توانست چنین عمیق و سینمایی و تأثیرگذار، مبارزه یک ملت را تا آخرین نفس به نمایش بگذارد؟ آنها پس از آن فیلم کوتاه کواکوپتری، وقتی متوجه شدند هنوز در آن ساختمان یک نفر آخرین لحظات زندگی‌ش را می‌گذراند، اگرچه مجروح و زخمی و ازبافتاده اما جرات نزدیک شدن نداشتند و مجدداً با توپ‌های تانک، آن ساختمان را هدف قرار دادند. این بار قهرمان ما، در زیر خوارها‌آوار، جان به جان آفرین تسلیم کرد اما بازهم جرات نداشتند به پیکر بی جانش برای شناسایی نزدیک شده یا آن را بلند کنند. فیلمی که فقط در ۴۵ ثانیه و در نمایش یک دوتل نابرابر، بدون حتی یک دیالوگ با صدا یا یک نت موسیقی با جلوه‌های تصویری و طراحی صحنه و چهره‌پردازی و... داستانی مفصل و تأثیرگذار از یک تاریخ تقابلی شجرت و سعیت را بازگو می‌کند.

قاپ مقاومت



دستی که عصا را گرفت

شهادت حماسی شهید یحیی سنوار و تصاویری که از آخرین لحظات زندگی این مبارز بزرگ منتشر شده، تا سال‌ها مورد اشاره و ارجاع هنرمندان خواهد بود و جریان تأثیرگذاری در هنر مقاومت جهان را رقم خواهد زد، چراکه این تصاویر سرشار از نماد است و نماد، مهم‌ترین ابزار هنرمند برای خلق اثر هنری است.

در این کاریکاتور کمال شرف، هنرمند یمنی، لحظه پرتاب عصای سنوار به سمت پهلپاد اسرائیلی سوزه قرار گرفته است، منتها هنرمند از تصویر صرف یک لحظه فراتر رفته و آن را امتداد داده است. دستی که نماد فلسطین است، این عما یا تکه چوب را گرفته، یعنی این‌که نسل بعدی فلسطین نیز راه سنوار را ادامه خواهد داد و این خون شریف، هدر نخواهد رفت.

ققسه

پاپ، کتاب خاطرات منتشر می‌کند

پاپ فرانسیس قصد دارد کتاب خاطراتش را منتشر کند و به این ترتیب به نخستین فردی تبدیل خواهد شد که در مقام پاپ، کتاب خاطراتش را چاپ می‌کند. انتشارات پنگوئن رندوم هاوس اعلام کرد که پاپ فرانسیس

یک خودزندگی‌نامه را منتشر کرده است. کتاب «امید» نخستین کتاب خاطراتی محسوب شده که از سوی یک پاپ در مقام مسئول منتشر می‌شود. گاردین نوشت، پاپ و دیگر نویسنده این کتاب که «کارلو موسو» ناشر ایتالیایی است، از شش سال اخیر نگارش این کتاب را آغاز کرده‌اند. براساس بیانیه پنگوئن رندوم هاوس، انتشار در زمان جشن «جوبیلی» سال ۲۰۲۵ زمانی که به بخشش تجدید معنوی و جشن در کلیسای کاتولیک که به ۲۵ سال یک‌بار اتفاق می‌افتد اختصاص داده می‌شود) و همچنین «نیازهای عصر کنونی»، پاپ را برانگیخت تا در زمانی که در قید حیات است کتاب را منتشر کند. امید، روایتگر داستان زندگی پاپ فرانسیس است و به ریشه ایتالیایی او و مهاجرت اجدادش به آمریکای لاتین و همچنین کودکی، نوجوانی، انتخاب شغل، زندگی بزرگسالی‌اش و دوران فعالیت به‌عنوان پاپ می‌پردازد. امید در چهارم ژانویه سال ۲۰۲۵ در ۸۰ کشور منتشر خواهد شد.



رمان «چریک» بررسی و نقد می‌شود

هجدهمین نشست «دوشنبه‌ها به وقت کتاب» با نقد رمان «چریک» به قلم حناثه سلطانی جلالی برگزار می‌شود. در بررسی و نقد این اثر، سلطانی، نویسنده رمان و حمید بابایی، دبیر و منتقد ادبی حضور خواهند داشت. این برنامه فردا ساعت ۱۶ در سالن اوستاخوزه هنری برگزار می‌شود. کتاب چریک نوشته حناثه سلطانی، داستانی رادر بستر تاریخ نه چندان دور ایران روایت می‌کند. چریک مربوط به دوره برگزاری جشن هنر شیراز است و در سافزار داستان مردم این شهر علیه برگزاری جشن هنر تظاهرات کرده‌اند. زنی به نام «همدم» در میان ازدحام جمعیت، پسرش را که از سه سال قبل گم شده می‌بیند. اتفاقات چریک از جدایی همدم از ایل قشقایی تا مهاجرت به تهران و سپس رخدادهای منتهی به بهمن ۱۳۵۷ را شامل می‌شود. داستان از زاویه دید همدم، مادر بزرگی که درگیر فراموشی است و شهزاد، نوه خردسال او روایت می‌شود. سلطانی در داستان چریک سرگذشت دو نسل از خانواده‌ای قشقایی را روایت می‌کند که در مقاومت قشقایی‌ها و مبارزات چریک‌های فدایی خلق تأثیرگذار بوده‌اند. چریک دومین اثر داستانی حناثه سلطانی است و توجه او بیشتر به انسان‌هایی بوده که در بستر تاریخ درحال فراموشی هستند.